



**The inquiry of lived experience of couple's marital satisfaction with cultural difference:
A phenomenological study**

Received: 2017- 12- 01

Accepted: 2018- 08- 03

Gholamreza Rajabi

professor of counseling department, Faculty of Education and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Omid Hamidi

o.hamidi@gmail.com

PhD. of counseling , Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran (**Corresponding Author**)

Abbas amanelahi fard

associate Professor of counseling, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Kaled Aslani

associate Professor of counseling, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Abstract

Intercultural marriages are rising due to the growing global connections and mass media, and to consider marital satisfaction is important as the most basic factor in the sustainability and durability of common life in these marriages. So the aim of the present research was studying of lived experiences of couples' marital satisfaction from Kurdish, Arab, and Bakhtiari cultures that was conducted in a qualitative method and using a phenomenological approach. 16 couples (32 people / 16 women and 16 men) with intercultural marriages, were selected by purposive sampling method and voluntary to saturation and were studied using semi-structured interviews. Then data were collected, registered, encoded and classified in main and sub theme. By analyzing the participants' experiences, was identified 750 primary codes, 20 subthemes, and 5 main themes, including premarriage processes, perceiving the presence of families, decisions about children, perception of communication and marital dimensions, perception of the general needs of intercultural marriages and perception of the challenges of intercultural marriage. The findings showed that the perception of communication and marital dimensions with sub-themes such as the vital role of support and understanding' spouse, communication and marital facilitating strategies, and the experience of perceiving the differences and similarities in personality was in center of marital satisfaction' experience. This study will have important concepts for family counselors and will be useful in enriching and promoting intercultural couples' relationships.

Key words: *marital satisfaction, intercultural marriage, phenomenology, lived experience*

citation

Rajabi, Gh., Hamidi, O., Abbas amanelahi fard, A & Aslani, Kh. (2018). T The inquiry of lived experience of couple's marital satisfaction with cultural difference: A phenomenological study. *Family Counseling and Psychotherapy*,

پی‌کاوی تجربه زیسته رضایت زناشویی زوجین دارای تفاوت فرهنگی: یک مطالعه

پدیدارشناسی

دریافت: ۱۳۹۶-۰۹-۰۱ پذیرش: ۱۳۹۷-۰۵-۱۲

غلامرضا رجبی	استاد گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز
امید حمیدی ohamidi@gmail.com	دکتری مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)
عباس امان الهی فرد	دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز
خالد اصلانی	دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

ازدواج‌های بین فرهنگی به‌واسطه فراگیر بودن وسایل ارتباط جمعی رو به افزایش است. بررسی رضایت زناشویی به‌عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین عامل پایداری و دوام زندگی مشترک در این ازدواج‌ها دارای اهمیت است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر بررسی تجارب زیسته رضایت زناشویی زوج‌هایی از فرهنگ‌های کرد، عرب و بختیاری بود که به روش کیفی و با استفاده از راهبرد پدیدارشناسی توصیفی - نمود شناختی کلایزی (۱۹۷۸) انجام شد. ۱۶ زوج (۳۲ نفر/ ۱۶ زن و ۱۶ شوهر) با ازدواج‌های بین فرهنگی و روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف از نوع گلوله برفی تا حد اشباع انتخاب و با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته موردبررسی قرار گرفتند. سپس داده‌ها جمع‌آوری، ثبت، کدگذاری و در قالب مضمون‌های اصلی و فرعی طبقه‌بندی گردیدند. تحلیل تجارب مشارکت‌کنندگان منجر به شناسایی ۷۵۰ کد اولیه، ۲۰ زیر مضمون و ۶ مضمون اصلی گردید که عبارت‌اند از: فرایندهای قبل از ازدواج، ادراک حضور خانواده‌ها، تصمیم‌گیری در مورد فرزند، ادراک ابعاد ارتباطی و زناشویی، ادراک نیازهای کلی ازدواج‌های بین فرهنگی و ادراک چالش‌های ازدواج بین فرهنگی. با توجه به یافته‌ها می‌توان بیان کرد که مضمون ادراک ابعاد ارتباطی و زناشویی با مضامین فرعی مانند نقش حیاتی حمایت و درک همسر، راهبردهای تسهیل‌کننده ارتباطی و زناشویی و تجربه ادراک یا عدم ادراک تفاوت‌ها و شباهت‌های شخصیتی، در مرکز تجربه رضایت زناشویی زوج‌های با ازدواج بین فرهنگی قرار دارد. این مطالعه مفاهیم مهمی برای مشاوران خانواده دارد و در برنامه‌های غنی‌سازی و ارتقای روابط زوجین بین فرهنگی، توجه به این مضامین سودمند خواهد بود. همچنین، این پژوهش می‌تواند اطلاعات کاربردی و مفیدی برای پژوهش‌های آتی در زمینه ازدواج‌های بین فرهنگی باشد.

واژگان کلیدی: رضایت زناشویی، ازدواج بین فرهنگی، پدیدارشناسی، تجربه زیسته

مقدمه

بسیاری از افرادی که ازدواج می‌کنند احتمالاً با این مسئله موافق‌اند که تمام ازدواج‌ها شامل تعارض است و وقتی زندگی دو نفر یکی می‌شود مشکلات نیز به تبع آن آغاز می‌گردد (Hsiao & Tallman, 2004). در جوامع امروزی چهره روابط صمیمانه تغییر یافته است، پیوندهای عمیق بین اشخاص از فرهنگ‌های متنوع رایج‌تر شده و ازدواج‌های بین فرهنگی افزایش یافته است (Waldman & Rubalcava, 2005). اصطلاح ازدواج‌های بین فرهنگی می‌تواند به‌عنوان ازدواج بین افراد با پس‌زمینه‌های مذهبی، ملی، قومی و یا نژادی مختلف تعریف شود (Waszyńska & Yang, Han, Siang, Othman, Skowronski, 2014).

برخی از متخصصان، روابط بین فرهنگی را به‌عنوان یک تعامل غنی در نظر گرفته‌اند که در آن افراد از یکدیگر یاد می‌گیرند و یا از طریق احترام و قدردانی فراتر از تفاوت‌های فرهنگی پیش می‌روند (Heller & Wood, 2007). با این وجود، این نوع ازدواج‌ها، پویایی‌های منحصر به فرد و چالش‌های خاص خود را دارند. پژوهش‌ها، پیچیدگی ازدواج‌های بین فرهنگی را بیشتر آشکار می‌سازد و افراد در چنین ازدواج‌هایی با مجموعه‌های مختلفی از قوانین، دیدگاه‌ها، عادات و ارزش‌های گوناگون و شیوه‌های متفاوت حل اختلاف مواجه‌اند (Cools, 2006). (Gaines, Clark & Afful, 2015) بیان کرده‌اند که تحقیقات مبتنی بر ماهیت و عملکرد ازدواج‌های بین فرهنگی نسبتاً پراکنده و اغلب متناقض است. برخی از محققان گزارش داده‌اند که ایجاد و حفظ روابط عاطفی بین افراد از فرهنگ‌های متنوع دشوار است، به‌طوری که آنان استرس، اختلال عملکرد و تعارض بیشتری دارند (Foeman, 1999). حال آن که دیگران به این نتیجه رسیده‌اند که هیچ شواهدی وجود ندارد که روابط بین فرهنگی با تعارض بیشتر و یا شکست بیشتر نسبت به روابط تک فرهنگی مواجه باشد (Lee, 2006; Garcia, 2006). ادبیات کمی که در مورد ازدواج‌های بین فرهنگی وجود دارد، چندین فرضیه را درباره این نوع ازدواج‌ها بیان کرده است. اول، این که زوجین در ازدواج‌های بین فرهنگی یا بین قومی نسبت به کسانی که در ازدواج‌های تک فرهنگی هستند، بیشتر تحت فشارند (Frame, Solsberry, 2004)؛ و دوم این که ازدواج‌های بین فرهنگی ناکارآمدتر فرض شده و بیشتر احتمال دارد نسبت به ازدواج‌های تک فرهنگی به طلاق منجر گردد (Frame, 2004). چنین روابطی با خطر بالای شکست، موانع استرس‌زا، ختم شدن به طلاق و نشان دادن نرخ رضایت زناشویی پایین‌تر در مقایسه با زوجین تک فرهنگی شناخته شده‌اند (Donovan, 2004; Okitikpi, 2009). عوامل استرس‌زایی که در این ازدواج‌ها مطرح است، شامل تعارض زناشویی در مورد پرورش فرزند، عزت‌نفس پایین، سروکار داشتن با درخواست‌های فرهنگی متعارض، تلاش برای حمایت از فرزندان در شکل‌گیری هویت فرهنگی، انتظارات نقش متعارض بین همسران و فشار اجتماعی است (Dunleavy, 2004).

در این میان، می‌توان به‌طور خاص‌تر به تجربه رضایت زناشویی^۱ در زوجین بین فرهنگی اشاره کرد. همان‌طور که اشاره شد پژوهش‌ها نشان داده‌اند که زوجین در ازدواج‌های بین فرهنگی و بین نژادی رضایت زناشویی و ثبات کمتری نسبت به سایر افراد تجربه می‌کنند (King & Bratter, 2008; Amato & Hohmann-Marriott, 2008). رضایت زناشویی ارزیابی ذهنی افراد از رابطه ازدواج ایشان است (Fung & Li, 2011). همچنین این مفهوم یک ارزیابی کلی از وضعیت رابطه زناشویی یا رابطه عاشقانه کنونی فرد است.

البته عوامل مؤثر بر رضایت افراد از زندگی زناشویی، متعدد بوده و ارتباط تنگاتنگی با وضعیت فرهنگی و شخصیتی فرد دارند (خانیک و تبریزی، ۱۳۸۸). در این راستا، (Fung & Li, 2011) از عوامل درون فردی (شخصیت)، بین فردی (ارتباط و درک رفتار همسر) و محیطی (حضور فرزندان، رضایت زناشویی والدین، وضعیت اقتصادی و سیاست‌های دولت) نام برده‌اند، این عوامل می‌توانند بر رضایت زناشویی زوجین مؤثر باشند. از آنجا که قومیت و فرهنگ، سازه‌های قدرتمندی هستند که در آن افراد و زوجین مفاهیم ازدواج و رضایت زناشویی را توسعه می‌بخشند (Marsh & Chaney, 2009)، بنابراین بررسی تجارب و چگونگی رضایت زناشویی افراد در ازدواج‌های بین فرهنگی و همچنین عواملی که در چنین تجاربی نقش دارند، می‌تواند اطلاعات غنی در زمینه تأثیر بافت فرهنگی بر چنین تجربه‌ای را فراهم کند.

حجم عمده‌ای از ادبیات موجود در زمینه زوجین بین فرهنگی، بر ویژگی‌های افراد در این نوع ازدواج‌ها و انگیزه آنان برای ازدواج با فردی خارج از گروه قومی و فرهنگی خود متمرکز شده است. یکی از بزرگ‌ترین انتقادات صورت گرفته علیه این نوع پژوهش‌ها، آن است که به‌جای ادراک زوجین درگیر در این نوع روابط، ادراک افراد خارج از رابطه را بررسی می‌کند (Donovan, 2004). از سوی دیگر، بررسی پیشینه پژوهش در زمینه ازدواج‌های بین فرهنگی، حاکی از نتایج گسترده‌ای از تغییرهای گوناگون است. در واقع، تحقیق و نظریه‌پردازی در زمینه تعامل در ارتباطات بین فرهنگی، ازدواج و نیز ارتباطات متعارض، بکر و دست‌نخورده باقی‌مانده و توسط متخصصان نادیده گرفته شده است.

پژوهش‌های گذشته در حیطه ازدواج‌های بین فرهنگی و رضایت زناشویی، مواردی از جمله انطباق با عوامل فشارزای فرهنگ وابسته (Monakes & Henriksen, Nelson, Bustamante, 2011)، مدیریت تعارض و تفاوت‌های بین فرهنگی (Barker & Tili, 2015; Renalds, 2011)، عوامل رضایت زناشویی در ازدواج‌های بین فرهنگی (Skowronski & et al, 2014)، چالش‌های ازدواج‌های بین فرهنگی (Frame, 2004)، مطالعه پدیدارشناسی ازدواج و رضایت زناشویی در زوجین آفریقایی-آمریکایی (Ferguson-Cain, 2015)، عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی (Bagwell, 2006) و نیز کشف رضایت زناشویی در فرهنگ‌های مختلف (Goodwin & Wong, 2009) را بررسی کرده‌اند. بررسی پژوهش‌های داخلی در مورد این ازدواج‌ها محدود به بررسی مواردی از جمله رابطه بین عملکرد ازدواج با سازگاری زناشویی (بهارلو، ۱۳۸۸) و الگوهای ازدواج در قومیت‌های ایرانی (عباسی شوازی و

جلالی، ۱۳۸۴) بوده و تاکنون در این پژوهش‌ها به تجربه زیسته^۱ زوجین بین فرهنگی و توصیف تجربه آنان از رضایت زناشویی پرداخته نشده است؛ بنابراین خلأ و شکاف پژوهشی در این زمینه و بهره‌گیری از پژوهش کیفی برای درک عمیق آن احساس می‌شود. در واقع، با توجه به این که شناخت عمیق تجربه زوجین با فرهنگ‌های متفاوت می‌تواند در ارتقای کیفیت زناشویی این افراد مؤثر باشد و از آنجا که تجربه زیسته زوجین با فرهنگ‌های متفاوت تاکنون در کشور ایران بررسی نشده است، پژوهش حاضر در پی آن است که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ارتباط زوجین با فرهنگ‌های متفاوت را شناسایی و به متخصصان حوزه خانواده کمک کند تا با در نظر گرفتن چگونگی تجارب این افراد و نیز ملاحظات فرهنگی، راهکارهای کارآمدی را در جهت بهبود زندگی ایشان انتخاب کند. در نهایت، با در نظر گرفتن نقش ارزش‌ها، باورهای فرهنگی و مذهبی غالب در کیفیت و ارتقای ارتباط زوجین، ضرورت انجام پژوهش حاضر آشکارتر می‌شود؛ بنابراین، پژوهش حاضر به دنبال کشف ماهیت تجارب زیسته افراد از رضایت زناشویی در ازدواج‌های بین فرهنگی بوده و باهدف پاسخگویی به سؤالات زیر انجام شد.

۱. مضامین اصلی تجربه زیسته زوجین بین فرهنگی از رضایت زناشویی کدامند؟

۲. مضامین فرعی تجربه زیسته زوجین بین فرهنگی از رضایت زناشویی کدامند؟

روش

طرح پژوهش حاضر از نوع کیفی^۲ است که به روش پدیدارشناسی توصیفی^۳ انجام گرفته و برای تجزیه و تحلیل آن از روش کلایزی^۴ (۱۹۷۸) استفاده شد. این شیوه که یک روش سامانمند و ذهنی است به منظور توصیف تجارب زندگی و درک معانی آن به اجرا درمی‌آید (DeAlmeida & Rapking, Kang, 2006). جامعه هدف شامل کلیه زوجین با فرهنگ‌های متفاوت شهرهای اهواز از استان خوزستان و سنندج از استان کردستان که با دو فرهنگ متفاوت باهم ازدواج کرده‌اند، بود.

روش انتخاب مشارکت‌کننده‌ها بر مبنای نمونه‌گیری مبتنی بر هدف از نوع گلوله برفی^۵ بود. فرایند نمونه‌گیری و تعیین تعداد نمونه نیز تا اشباع نظری^۶ یعنی زمانی که هیچ‌گونه داده و اطلاعات تازه‌ای به دست نیامد ادامه داشت. در نهایت تعداد مشارکت‌کنندگان به ۱۶ زوج رسید.

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، از این‌رو از شهرهای اهواز و سنندج انتخاب شدند که به نظر می‌رسد، با توجه به بافت قومیتی، احتمال وقوع ازدواج بین فرهنگی میان قومیت‌های کرد، فارس، عرب و لر بیشتر است. زوجین علاوه بر دارا بودن ازدواج بین فرهنگی دارای ملاک‌های ورود دیگری از جمله: حداقل ۲ سال زندگی

-
1. lived experience
 2. qualitative
 3. descriptive phenomenology
 4. Colaizzi
 5. snowball
 6. theoretical saturation

مشترک، داشتن حداقل یک فرزند، داشتن حداقل مدرک تحصیلی دیپلم، حداقل سن برای زوجین ۲۰ سال، همکاری و تمایل هر دو زوج در مصاحبه و مطالعه و ساکن بودن در شهر، نیز بودند. هم‌چنین ملاک‌های خروج از مطالعه زوجین نیز شامل: داشتن مشکلات و اختلافات شدید زناشویی، دارا بودن اختلالات خلقی و عاطفی، مصرف مواد افیونی، داشتن مشکلات خانوادگی و بیماری‌های جسمانی بود.

ابزار پژوهش

گردآوری داده‌ها در این پژوهش، با به‌کارگیری مصاحبه نیمه ساختاریافته^۱ و پرسش‌ها انجام گرفت. سؤال‌ها با تمرکز بر روی تجارب مربوط به ازدواج بین فرهنگی پیگیری شد. توالی پرسش‌ها با توجه به فرایند مصاحبه و پاسخ‌های هر فرد یکسان نبود، اما سعی شد انواع مشابهی از اطلاعات از همه مشارکت‌کنندگان گردآوری شود. به‌عنوان مثال، مصاحبه‌ها اغلب با به‌کارگیری سؤالات زمینه‌ای غیر تهدیدآمیز از جمله، نحوه آشنایی شما (زن و شوهر) چگونه بوده است؟ و یا توضیح دادن زمینه فرهنگی خاصشان آغاز و سپس، مصاحبه با سؤال‌هایی درباره نحوه برخورد با اختلافات فرهنگی، شیوه تعامل و حل تعارض‌ها و غیره پیش رفت.

شیوه اجرای پژوهش

قبل از آغاز فرایند جمع‌آوری داده‌ها، هدف مطالعه برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد و پس از ارائه اطلاعات کافی در ارتباط با ماهیت و اهداف پژوهش، از زوجین درخواست گردید فرم رضایت آگاهانه شرکت در مصاحبه ضبط‌شده (که طی آن حفظ حریم خصوصی و محرمانه بودن مصاحبه‌ها با استفاده از اسامی مستعار و حق انصراف در تمام فرایند پژوهش برای آنان توضیح داده‌شده بود) را امضا کنند. با توجه به دوزبانه بودن شرکت‌کننده‌ها، کلیه مصاحبه‌ها به‌صورت فارسی اجرا گردید. مکان مصاحبه نیز جهت کاهش متغیرهای مزاحم بیرونی و نیز راحت بودن زوجین، در محیط پیشنهادی ایشان صورت گرفت. مدت مصاحبه‌ها اغلب بین ۴۰ تا ۶۰ دقیقه متغیر بود و داده‌ها در طول یک بازه زمانی ۶ ماهه، جمع‌آوری، ثبت، کدگذاری و در قالب مضامین عمده دسته‌بندی گردید.

در پژوهش حاضر تحلیل داده‌ها، با استفاده از روش هفت مرحله‌ای کلایزی (Abu Shosha, 2012) و به‌موازات انجام مصاحبه‌ها صورت گرفت. در مرحله اول، جهت هم‌احساسی با مشارکت‌کنندگان و نیز تفهیم بیشتر متن، مصاحبه‌ها پیاده‌سازی، رونویسی و چندین بار خوانده شد. در مرحله دوم از متون رونویسی شده، عبارات و جملات مرتبط با تجربه افراد از پدیده ازدواج بین فرهنگی، استخراج گردید. در مرحله سوم، فرمول‌بندی معانی^۲ و توضیح مفهوم عبارات مهم انجام گردید. در مرحله چهارم، گروه‌بندی معانی فرمول‌بندی شده در مقوله‌هایی که ساختار منحصربه‌فردی از خوشه‌های تم^۳ هستند، انجام گرفت. در مرحله پنجم، جهت تشکیل سازه‌های تم مجزا،

-
1. semi-structured interviews
 2. formulation of meanings
 3. theme

تمام تم‌های استخراج‌شده در قالب یک توصیف جامع، ارائه و خوشه‌های تم باهم ادغام شدند. به این ترتیب ساختار کلی پدیده مورد نظر استخراج گردید. در مرحله ششم، تقلیل یافته‌ها صورت گرفت که به واسطه آن توصیفات زائد، نامناسب و اغراق‌آمیز از کل بخش زدوده شد. در واقع، توصیف جامع به یک ساختار اساسی کاهش یافت. در این زمینه باهدف روشن نمودن رابطه بین خوشه‌های تم و تم‌های استخراج‌شده از آن‌ها، اصلاحاتی نیز انجام گردید، از جمله: حذف بعضی از ساختارهای مبهم و دوپهلوی که توصیف جامع را تضعیف می‌کردند. در نهایت و در مرحله هفتم، اعتبار یابی نتایج انجام و یافته‌ها به اطلاع مشارکت‌کنندگان رسانده شد و آن‌ها صحت نتایج و مطابقت آن‌ها با تجربیات خود را تأیید کردند. در مرحله آخر نتایج به مشارکت‌کنندگان بازگردانده و در مورد یافته‌ها از آن‌ها سؤال شد و به این ترتیب به داده‌ها اعتبار بخشیده شد.

جهت اعتمادپذیری^۱ داده‌ها، از چهار معیار جداگانه (Lincoln & Guba, 1994)، به نقل از (Creswell, 2009) استفاده شد. برای تضمین قابلیت اعتبار و روایی^۲ داده‌ها پس از تجزیه و تحلیل هر مصاحبه، مجدداً به مشارکت‌کنندگان مراجعه و صحت مطالب با نظر آنان بررسی گردید و در صورت لزوم اصلاحات لازم صورت گرفت. جهت تضمین قابلیت تصدیق^۳ داده‌ها یک فرایند فعال در پراثرگذاری^۴ اعمال گردید تا عقاید پیشین و پیش‌داوری‌ها در فرایند جمع‌آوری اطلاعات کنار گذاشته شود. جهت تضمین قابلیت اطمینان^۵، متن مصاحبه‌ها جهت کدگذاری به رؤیت متخصصان در زمینه روش کیفی رسید.

اخلاق پژوهش

در ارتباط با ماهیت و اهداف این پژوهش، ابتدا اطلاعات کافی به شرکت‌کنندگان ارائه شد و ضمن بیان جزئیات مصاحبه و فرایند ضبط آن، از کلیه افراد رضایت آگاهانه کسب گردید. همچنین با تأکید بر رعایت اصول رازداری و محرمانه بودن اطلاعات، به ایشان این اطمینان داده شد که فایل صوتی در دسترس کسی قرار نخواهد گرفت و برای حفظ حریم خصوصی ایشان از اسامی مستعار استفاده خواهد شد و نیز به آنان یادآوری شد که در هر زمان از مطالعه آزادند که انصراف دهند. در پایان با توجه به اینکه مصاحبه‌ها درباره تجارب افراد از دواج بین فرهنگی بوده و احتمال داشت برخی مسائل شخصی مطرح گردد، این جلسات به صورت انفرادی برگزار شد و محرمانه بودن اطلاعات بین مصاحبه‌گر و هریک از همسران بیان گردید.

یافته‌ها

-
1. truthworthines
 2. validity
 3. confirmability
 4. bracketing
 5. dependability

۵ نفر از مشارکت کنندگان دارای تحصیلات کاردانی، ۱۶ نفر کارشناسی، ۸ نفر کارشناسی ارشد و ۳ نفر دکتری با میانگین سنی ۳۶ سال برای مردان و ۳۲ سال برای زنان (دامنه سنی برای مردان ۲۸ تا ۴۶ سال، برای زنان ۲۵ تا ۴۳ سال)، میانگین مدت ازدواج زوج‌ها ۷ سال (دامنه ۳ تا ۱۶ سال)، ۱۰ نفر فارس، ۶ نفر بختیاری، ۱ نفر لر، ۴ نفر ترک، ۸ نفر کرد، ۲ نفر عرب و ۱ نفر گیلک بودند.

تحلیل تجارب مشارکت کنندگان منجر به شناسایی ۷۵۰ کد اولیه، ۶ درون‌مایه اصلی (تم) و ۲۰ درون‌مایه فرعی (مقوله) شد که در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. درون‌مایه‌های اصلی و فرعی حاصل از تجربه زیسته رضایت‌ناشویی در زوجین با فرهنگ‌های متفاوت

مضمون‌های اصلی	مضمون‌های فرعی
فرایندهای قبل از ازدواج	تجربه آشنایی در محیط دانشگاه؛ آشنایی قبل از ازدواج؛ ملاک‌های شخصی جذابیت همسر؛ تجربه برخورد‌های بین فرهنگی؛ تردیدها و نگرانی‌های قبل و اوایل ازدواج
ادراک حضور خانواده‌ها	دخالت و اجبار خانواده‌ها؛ حمایت و پذیرش خانواده‌ها؛ تفاوت‌های خانوادگی
تصمیم‌گیری در مورد فرزند	بهره‌گیری بین فرهنگی و هماهنگی در تربیت فرزند؛ آزاد گذاری فرزند در انتخاب مذهب
ادراک ابعاد ارتباطی و زناشویی	نقش حیاتی حمایت و درک همسر؛ استراتژی‌های تسهیل‌کننده ارتباطی؛ تجربه ادراک یا عدم ادراک تفاوت‌های شخصیتی
ادراک نیازهای کلی ازدواج‌های بین فرهنگی	نیاز به پذیرش و احترام به تفاوت‌های بین فرهنگی؛ نیاز به انعطاف‌پذیری بالا؛ تجربه انتقال بین فرهنگی
ادراک چالش‌های ازدواج بین فرهنگی	تفاوت در آداب‌ورسوم، تشریفات و مهمانی‌ها؛ تجربه اختلاف و تعارض به دلیل تفاوت‌های بین فرهنگی؛ سختی‌های خاص تجربه ازدواج بین فرهنگی؛ فاصله جغرافیایی و احساس غربت

تقریباً تمامی مشارکت‌کنندگان در این پژوهش اعم از زنان و مردان، به فرایندهایی اشاره کردند که سبب‌ساز و مهیاکننده ازدواج بین فرهنگی آن‌ها بوده است که شامل درون‌مایه‌های فرعی آشنایی در محیط دانشگاه، رابطه قبل از ازدواج، ملاک‌های جذابیت همسر، برخورد با قومیت‌های دیگر و تردیدها و نگرانی‌های قبل و اوایل ازدواج است که هر یک از این عوامل شامل زیرمجموعه‌ها و کدهای مرتبط با مقوله خاص خود به شرح ذیل هستند:

در درون‌مایه فرعی آشنایی در محیط دانشگاه، مشارکت‌کنندگان دانشگاه را محیطی توصیف کردند که فرصت آشنایی فرهنگ‌های مختلف را فراهم آورده است. به‌طوری‌که محیط بین فرهنگی دانشگاه، افرادی از قومیت‌ها و مذاهب مختلف را در محیط کلاسی و خوابگاهی کنار هم قرار داده و تجربه همکلاسی بودن در طول تحصیل، در مقاطع کارشناسی و بعضاً تحصیلات تکمیلی فرصت مناسبی برای آشنایی مشارکت‌کنندگان با یکدیگر را فراهم آورده است. نقل‌قول از مشارکت‌کننده شماره ۱۰ «آشنایی ما در محیط دانشگاه بود. من و همسر هم رشته و همکلاسم بودیم و در طول ۴ سال دوره کارشناسی این فرصت رو داشتیم که بتونم همسر رو بشناسم و به اون علاقه‌مند شدم»

درون‌مایه فرعی تجربه رابطه قبل از ازدواج، شامل مفاهیمی چون: فرصت آشنایی، عمیق شدن رابطه، دوستی قبل از ازدواج، یافتن همدم و همراه است که مشارکت‌کنندگان را به ازدواج بین فرهنگی ترغیب کرده است. نقل‌قول از

مشارکت‌کننده شماره ۶ «ما تهران دانشجو و هم رشته بودیم و بیشتر در فعالیت‌های فوق‌برنامه فعالیت داشتیم و اونجا کم‌کم باهم آشنا شدیم. این آشنایی به مرور زمان عمیق‌تر شد و در آخر تصمیم به ازدواج گرفتیم»

در ارتباط با ملاک‌های شخصی جذابیت همسر، مشارکت‌کنندگان اغلب به ابعادی مانند طرز فکر، صداقت و اخلاق، ظاهر و پرستیژ همسر و غیره اشاره کردند که این مسئله نشان می‌دهد زوجین بیشتر از در نظر گرفتن ملاک‌های خانوادگی، اقتصادی و یا اجتماعی با در نظر گرفتن ملاک‌های فردی، جذب همسر خود شده‌اند. نقل قول از مشارکت‌کننده شماره ۹ «مثلاً اون موقع این قدر بهش اعتماد می‌کردم می‌تونستم راحت ازشم قرض بگیرم و کوچیک‌ترین لغزشی پیش نیومد که من اعتمادمو از دست بدم. شاید بگم بزرگ‌ترین فاکتور اعتماد و این‌که با همه چیزم میسازه»

در مورد درون‌مایه فرعی تجربه برخورد با قومیت‌های دیگر، باید گفت که اغلب مشارکت‌کنندگان در دوران قبل از ازدواج با قومیت‌های دیگر برخورد و ارتباطات بین فرهنگی داشته‌اند. به‌عنوان نمونه بعضی از آن‌ها در محیط دانشگاه و خوابگاه‌های دانشجویی با افرادی از قومیت‌های دیگر هم‌کلاسی و هم‌اتاقی بوده‌اند. یا در محیط‌های خانوادگی با دوستانی از فرهنگی دیگر در ارتباط بوده‌اند. نقل قول از مشارکت‌کننده شماره ۳ «من تا قبل از دانشگاه خیلی در تعامل با افرادی از قومیت‌های دیگه نبودم. البته همسر برادرم اهل بندرعباس و شاید یکی از دلایلی که خانواده‌ام براشون راحت بود بپذیرن ازدواج من رو، این بود که برادرم ازدواج موفق داشت و همسرش خیلی خوش برخورد. توی دانشگاه هم من دوستایی از شهرهای مختلف داشتم و مخصوصاً چند تا دوست کرد اهل کرمانشاه و ایلام هم داشتم»

در مورد درون‌مایه فرعی تجربه تردیدها و نگرانی‌های قبل و اوایل ازدواج، می‌توان گفت این تردیدها برای مشارکت‌کنندگان شامل: نگرانی از آینده به دلیل دوری از خانواده، مشکلات مالی و اقتصادی، اختلاف‌های مذهبی و عدم آشنایی با خانواده‌ها، ناآشنایی با رسم و رسوم خانواده همسر و نیز نگرانی در مورد شرایط جدید است که ذهن مشارکت‌کنندگان را قبل و اوایل ازدواج به خود مشغول کرده است. نقل قول از مشارکت‌کننده شماره ۳ «در ماه‌های اولیه از دواجمان استرس و اضطراب زیادی را تجربه کردم از به طرف نگران انتخابم بودم که مبادا اشتباه بوده باش و از طرفی هم نحوه رفتار اون و خانوادش طوری بود که همیشه باید تلاش می‌کردم خانوادم رو توجیه کنم و اونا رو مقصر نشون ندم. چون اشتباهات اونا، من و انتخابم رو زیر سؤال می‌برد.»

ادراک حضور خانواده‌ها

مشارکت‌کنندگان به عواملی اشاره کردند که مرتبط با حضور خانواده‌ها در ازدواج آن‌ها بوده است و نشان دادند گاهی چالش‌های زوجین در ازدواج‌های بین فرهنگی به دلیل تفاوت‌های بین فرهنگی نیست بلکه به دلیل ادراک حضور خانواده‌ها است. این درون‌مایه اصلی دارای ۳ درون‌مایه فرعی شامل: دخالت و اجبار خانواده‌ها، حمایت و پذیرش خانواده‌ها و تفاوت‌های خانوادگی است.

در درون‌مایه فرعی دخالت و اجبار خانواده‌ها، افراد به مشکلاتی از جمله: عدم رعایت مرزهای زناشویی، اجبار بین فرهنگی میان همسران، دخالت و مانع‌سازی، عدم پذیرش و نیز عدم احترام به فرهنگ همسر میزبان، اشاره کردند. نقل قول از مشارکت‌کننده شماره ۱۶، در زمینه عدم رعایت مرزهای زناشویی «اوایل، وقتی می‌خواستیم مسافرتی بریم خانواده همسر هم با ما می‌ومدن یا وقتی اونها میخواستن جایی برن حتماً ما هم باید با اونها می‌رفتیم و اگر نمی‌رفتیم باعث اختلاف ما می‌شد»

بر اساس درون‌مایه فرعی حمایت و پذیرش خانواده‌ها وجود حمایت و پذیرش و نیز عدم دخالت خانواده‌ها، سبب تسهیل در ازدواج بین فرهنگی شده است. از جمله: پذیرش فرهنگی همسر میزبان، حمایت یا عدم حمایت خانواده‌ها و عدم دخالت در مرزهای زناشویی. نقل قول از مشارکت‌کننده شماره ۲ «مسئله دیگه مسئله اقتصادی و حمایت خانواده‌هاست که کمک بکنند. در خیلی جاها تا عروس و داماد بتونن سر پا بشن و رو پای خودشون بایستن خانواده‌ها کمکشون میکنن ولی ما این‌طور نبودیم و یه جورری رها شدیم، این مسئله خیلی آزارم داد. چون نداشتم حامی، خیلی سخته چه مادی و چه فکری»

درون‌مایه فرعی تفاوت‌های خانوادگی به ابعاد مختلفی چون: الگوگیری از خانواده مبدأ، تفاوت‌های خانوادگی به‌جای تفاوت‌های فرهنگی و سبک تربیتی متفاوت خانواده‌ها اشاره دارد که نشان می‌دهد بعضی از مشارکت‌کنندگان تعارض‌های خود را بیشتر ناشی از تفاوت‌های خانوادگی می‌دانند تا تفاوت‌های فرهنگی. نقل قول از مشارکت‌کننده شماره ۱ «من بین دو تا پسر به دنیا اومدم و بیشتر خودم رو در قالب رفتارهای پسرانه قرار می‌دادم و تو زندگی مشترک هم همیشه این حس رو دارم که من نباید به‌عنوان یک ضعیفه باهام رفتار بشه بلکه باید باهام مثل یک انسان رفتار بشه. در کارهای خونه هم سعی می‌کنم اون تساوی رو رعایت بکنم»

تصمیم‌گیری در مورد فرزند

این مضمون مرتبط با بحث تربیت فرزند است که دارای دو درون‌مایه فرعی است. درون‌مایه فرعی اول بهره‌گیری بین فرهنگی و هماهنگی در تربیت فرزند با ابعادی همچون: دوزبانگی، تأکید بر نقاط مثبت فرهنگی، حذف نقاط منفی بین فرهنگی، هماهنگی و همکاری در تربیت فرزند بود. نقل قول از مشارکت‌کننده شماره ۱۰ «در ارتباط با تربیتش باید بگم که دوست دارم به شکلی تربیت بشه که مستقل و خودساخته باشه وابسته نباشه. نمی‌خوام مثل ارتباط خودم با خانواده که خیلی رسمیه باشیم برعکس دوست دارم طوری باهم صمیمی باشیم که مثل دو تا دوست بمونیم»

درون‌مایه فرعی دوم آزاد گذاری در انتخاب مذهب، با ابعادی همچون دادن حق انتخاب مذهب به فرزند و نیز احترام به تفاوت‌های مذهبی است نقل قول از مشارکت‌کننده شماره ۶ «در مورد مذهب آیندشم دوس دارم انتخاب رو به خودش بدیم و زمانی که بچمون خودش بزرگ شد تصمیم بگیره و انتخاب کنه»

ادراک ابعاد ارتباطی و زناشویی

این مضمون در مرکز تجربه رضایت زناشویی در زندگی مشارکت‌کنندگان قرار داشت که شامل درون‌مایه‌هایی همچون نقش حیاتی حمایت و درک همسر، استراتژی‌های تسهیل‌کننده ارتباطی و زناشویی، تجربه ادراک یا عدم ادراک تفاوت‌ها و شباهت‌های شخصیتی بود.

در درون‌مایه فرعی نقش حیاتی حمایت و درک همسر، می‌توان به ابعاد ادراک حمایت همسر میزبان، تحمل سختی‌ها و تفاوت‌ها با وجود حمایت همسر، ناامیدی و دل‌سردی در صورت عدم حمایت همسر و نیز حمایت همسر از خانواده خود در برابر همسر اشاره کرد. نقل قول از مشارکت‌کننده شماره ۸ «خیلی از مراسم‌ها رو سفت و سخت و جدی می‌گرفت و حتماً باید شهرستان می‌رفتیم ولی به وظایفش در قبال من بی‌توجه بود و این حرصم رو درمی‌آورد احترام و جایگاه خاصی برای خانواده قائله و همین باعث شده که من همیشه در اولویت دوم خودم رو ببینم»

بیشترین ارجاعات و اظهارنظرهای مصاحبه‌کنندگان در مورد درون‌مایه فرعی استراتژی‌های تسهیل‌کننده ارتباطی و زناشویی بوده است. مهم‌ترین استراتژی‌های مورد اشاره جهت ارتقای روابط در زندگی زناشویی عبارت بودند از: گفتگو و حل تعارض، صمیمیت و ابراز احساس‌ها، گذراندن اوقات فراغت با همدیگر، مدیریت مالی و اقتصادی، مشورت، همکاری و تقسیم وظایف، پذیرش، مرزبندی و مدیریت دخالت خانواده‌ها و نیز رفع سوء تفاهم‌های فرهنگی بودند که نبود این راهبردها و استفاده از استراتژی‌های منفی، موجب ضعیف شدن روابط زناشویی آن‌ها شده است. نقل قول از مشارکت‌کننده شماره ۷ «همسر مرد بودنش برایش خیلی مهمه؛ و همیشه میگه مرد رو مرد گفتن و مرد باید تصمیم‌گیرنده باشه و در درجه اول باید نظر، نظر اون باشه. من چون زن هستم خیلی کم در تصمیماتش دخیل هستم و از خیلی چیزهاش خبر ندارم. مثلاً درآمزش، پس‌اندازش، دوستاش، ارتباطاتش و ...»

در درون‌مایه فرعی تجربه ادراک یا عدم ادراک تفاوت‌ها و شباهت‌های شخصیتی، مفاهیمی مانند تفاوت‌های شخصیتی به جای تفاوت‌های فرهنگی، سبک‌های متفاوت ابراز احساس‌ها و حل تعارض، پذیرش یا عدم پذیرش تفاوت‌های شخصیتی و هماهنگی شخصیتی مطرح است. نقل قول از مشارکت‌کننده شماره ۵ «روابط عاطفی مان خوبه ولی من بیشتر سرویس‌دهنده‌ام. قبلاً اعتراض می‌کردم ولی کم‌کم فهمیدم شخصیت همسر من اینطوره و خیلی از کارهاش ربطی به لجبازی نداره و بدون نیت قبلی انجام می‌ده و کلاً شخصیتش این طوره و آدم سردیه و از لجباجتش نیست»

ادراک نیازهای کلی ازدواج بین فرهنگی

نیازهای کلی ادراک‌شده، به جنبه‌های کلی اشاره دارد که جهت ازدواج دو نفر از فرهنگ‌های مختلف لازم است. این مضمون دربرگیرنده سه درون‌مایه فرعی: نیاز به پذیرش و احترام به تفاوت‌های بین فرهنگی، نیاز به انعطاف‌پذیری و نیز تجربه انتقال بین فرهنگی است.

درون‌مایه فرعی نیاز به پذیرش و احترام به تفاوت‌های بین فرهنگی، ناشی از ماهیت ازدواج بین فرهنگی و ادغام دو فرهنگ با جنبه‌های متفاوت است؛ که نیاز به پذیرش و احترام بالا برای فرهنگ، مقابل عقاید و رسوم هر کدام از

همسران است. این نیاز دارای ابعاد پذیرش، احترام به تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی و اجبار بین فرهنگی است. نقل قول از مشارکت‌کننده شماره ۱۱ «شاید یکی از مشکلات این نوع ازدواج‌ها پایین بودن پذیرش تفاوت‌هاست. یا اینکه فرد با این نیت وارد این نوع ازدواج بشه که قصد تغییر طرف مقابل رو داشته باشه، نه من و نه همسرم آدمایی نیستیم که دگم و متعصب باشیم و خیلی کم پیش اومده که دچار سوء تفاهم بشیم»

درون‌مایه فرعی نیاز به انعطاف‌پذیری، شامل: انعطاف‌پذیری شخصیتی، تحصیلات و درک بالا، متعصب نبودن مذهبی و فرهنگی، توانایی پذیرش و کلیشه‌ای نبودن در نقش‌های جنسیتی و فرهنگی است. نقل قول از مشارکت‌کننده شماره ۹ «شاید بزرگ‌ترین مشکل افراطی بودن روی به قضیه هستش، اگر کسی خواست این نوع ازدواج‌ها رو بکنه باید به دیدگاه معتدل‌تر و جهانی‌تری رو برای خودش پیش‌بینی کنه. ما برای هم محدودیتی قائل نیستیم خانومم آزاده بیرون کار کنه در کارهای من کمک کنه و تو امور مالی شریکم باشه و خیلی از تصمیم‌گیری‌ها اظهار نظر کنه چون قابل اعتماد»

مشارکت‌کنندگان این پژوهش در توصیف تجربه خود به درون‌مایه فرعی تجربه انتقال بین فرهنگی اشاره کردند که شامل یادگیری زبان همسر، شرکت در مراسم‌های فرهنگی و مذهبی همسر و علاقه‌مندی به جنبه‌هایی از فرهنگ مقابل است. م نقل قول از مشارکت‌کننده شماره ۲ «گاهی اونا به فرهنگ من علاقه‌مند بودن. مثلاً در مورد پوشش، همسر و حتی خانواده اونا خیلی به لباس کردی علاقه داشتن و تو مراسم هاشون پوشیدن، همسر من حتی زبان کردی هم راحت می‌فهمه.»

ادراک چالش‌های ازدواج بین فرهنگی

این مضمون به مشکلات کلی که زوجین بین فرهنگی ممکن است با آن‌ها روبرو شوند اشاره دارد دارای چهار درون‌مایه فرعی تفاوت در رسوم، مهمانی‌ها و تشریفات، تجربه اختلاف و تعارض به دلیل تفاوت‌های بین فرهنگی، سختی‌های خاص تجربه ازدواج بین فرهنگی و نیز فاصله جغرافیایی و احساس غربت است.

منظور از درون‌مایه فرعی تفاوت در رسوم، تشریفات و مهمانی‌ها این است که؛ هر کدام از طرفین دارای فرهنگ و رسوم متفاوت و خاص در اجرای مراسم‌هایی چون اعیاد، عروسی‌ها و مهمانی‌ها هستند. لذا ازدواج بین فرهنگی این تفاوت‌ها را در برداشته و این مسئله توسط زوجین ادراک و حتی گاهی موجب اختلاف و تعارض‌هایی میان آن‌ها می‌شود. نقل قول از مشارکت‌کننده شماره ۱۲ «در فرهنگ همسر عادی بود که به صورت طایفه‌ای خونه تازه داماد و عروس میرفتن اما من با این رفتار راحت نبودم در فرهنگ من همه چیز به صورت برنامه‌ریزی شده و با اطلاع قبلی بود.»

درون‌مایه فرعی تجربه اختلاف و تعارض به دلیل تفاوت‌های بین فرهنگی، شامل ماندگاری اختلاف‌های بین فرهنگی، تعارض همسران به دلیل اختلاف‌های بین فرهنگی، اختلاف به دلیل عدم احترام و پذیرش رسوم و نیز اختلاف به دلیل عدم فهم زبان‌ها است. نقل قول از مشارکت‌کننده شماره ۴ «در ابتدا خانواده همسر به خاطر دور بودن

مسیر برای عقد نمودن فقط برادر بزرگ‌تر و زن داداشش او مدن و این برای من اولین ضربه عاطفی بود و تو فرهنگ ما این اصلاً قابل قبول نبود. رسم‌هایی داشتیم که خانواده همسرم انجام ندادند و این دلخوری‌هایی به وجود آورد.»

درون‌مایه فرعی سختی‌های خاص تجربه ازدواج بین فرهنگی، جزء چالش‌های کلی و خاص ازدواج‌های بین فرهنگی است. منظور از آن بیان کردن تفاوت در ماهیت دشواری‌های ازدواج بین فرهنگی با دشواری‌های ازدواج‌های عادی است. این سختی‌ها دربرگیرنده ابعادی همچون تغییر کلی شرایط، ریسک‌پذیر بودن، تجربه خستگی از رفع سوء تفاهم‌های فرهنگی و نیز احساس پشیمانی است. نقل قول از مشارکت‌کننده شماره ۱۵ «در ازدواج با فردی از فرهنگ دیگر خیلی مسائل که قبلاً حتی بهشون هم فکر نمی‌کردی و برات مهم نبودن ارزش پیدا میکنه. مثل یه لباس پوشیدن ساده، یه مهمونی رفتن یا مهمون دعوت کردن.»

بحث فاصله جغرافیایی و احساس غربت، بیشتر توسط همسر مهمان به آن اشاره شده است، به نحوی که همه همسران میزبان به عنوان چالشی بزرگ با آن دست‌وپنجه نرم کرده‌اند. این درون‌مایه فرعی شامل جنبه‌هایی مانند چالش مرکزی فاصله جغرافیایی، دوری از خانواده در شرایط استرس‌زا و احساس غربت است. نقل قول از مشارکت‌کننده شماره ۸ «ما خیلی صمیمی بودیم ولی بعد از پارسال که من برادرم روز از دست دادم از اون صمیمیت کم شد. همش به این فکر می‌کنم که یه ظلمی در حق من شده که من باید همسرم رو می‌کشوندم شهرمون و اونجا زندگی می‌کردیم، سه ماه بود برادرم رو ندیده بودم و باید منتظر به تعطیلی میشدم که برگردم.»

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش کیفی حاضر با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی درصدد کسب دانش و فهم در مورد تجربه زیسته رضایت زناشویی در ازدواج‌های بین فرهنگی با طرح این سؤال بود که چگونه این افراد تجربه رضایت زناشویی خود را در ازدواج‌های بین فرهنگی توصیف، فهم و معنا می‌کنند؟ در پاسخ به این سؤال مجموع مضامینی که از مصاحبه‌ها استخراج شد شامل ۶ مضمون اصلی و ۲۰ مضمون فرعی بود.

یکی از درون‌مایه‌های آشکار شده در این پژوهش مربوط به فرایندهای قبل از ازدواج بود، فرایندهایی که سبب‌ساز و مهیاکننده ازدواج بین فرهنگی آن‌ها بوده است. در این رابطه، یکی از متغیرهای مؤثر بر شکل‌گیری ازدواج بین فرهنگی آموزش و تحصیل بود (Boyd & Lee, 2008). تحصیلات، دل‌بستگی‌های قومی را تضعیف، کاهش و ارتباط با سایر گروه‌های قومی و نژادی را افزایش می‌دهد. ادامه تحصیل و حضور در دانشگاه فرصت‌های بیشتری را برای تعامل با افرادی در زمینه‌های قومی و نژادی دیگر فراهم می‌کند. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش همگی تجربه حضور در دانشگاه را داشته و محیط دانشگاه فرصت آشنایی با فرهنگ‌های مختلف را فراهم کرده است. در نتیجه بدون پیش‌داوری و تفکرات قالبی و با دیدگاهی پذیرا و منعطف، فرایند آشنایی رخ داده است. با در نظر گرفتن چالش‌ها و منابع استرس‌زایی که ازدواج‌های بین فرهنگی و اثرات نامطلوب احتمالی آن، ماهیت بین فرهنگی باعث شده است که این ازدواج‌ها بیشتر در معرض استرس باشند (Negy, 2000 &

Snyder). با توجه به این موضوع و نیز دیدگاه کلی جامعه نسبت به چنین ازدواج‌هایی (که عمدتاً منفی است)، تردیدها و نگرانی‌هایی درباره آینده و مشکلات احتمالی دیگر از جمله تعارض‌های ناشی از تفاوت در رسوم و باورهای فرهنگی، توسط زوجین تجربه شده‌اند.

درون‌مایه آشکار شده دیگر توسط مشارکت کنندگان، ادراک حضور خانواده‌ها بود. آن‌ها به دخالت و اجبار خانواده‌ها در زندگی زناشویی خود، حمایت یا عدم‌حمایت آن‌ها از خود و نیز تفاوت‌های خانوادگی اشاره کرده‌اند که این امر نشان می‌دهد گاهی چالش‌های زوجین در این ازدواج‌ها به دلیل تفاوت‌های بین فرهنگی نیست، بلکه به دلیل ادراک حضور خانواده‌ها است. با بررسی پیشینه پژوهشی می‌توان به این نتیجه دست یافت که بسیاری از مطالعات صورت گرفته در زمینه ازدواج‌های بین فرهنگی (Donovan, 2004; Pierce & Ferguson-Cain, 2015; Burke) بر نقش خانواده‌ها به‌عنوان یک عامل چالش‌برانگیز در زندگی زوجین تأکید داشته‌اند. زمانی که فرد تصمیم خود را به برقراری رابطه یا ازدواج با فردی از فرهنگ دیگر می‌گیرد، واکنش‌های والدین در مورد تصمیم فرزندشان حائز اهمیت است. از دست دادن حمایت خانواده می‌تواند فشار شدیدی را بر ازدواج افراد وارد کرده و احساس‌های منفی از جمله احساس گناه و طرد شدن و روابط غیردوستانه بین زوجین را افزایش دهد.

درون‌مایه دیگر در پژوهش حاضر تصمیم‌گیری در مورد فرزند بود. مشارکت کنندگان به آزاد گذاری فرزند در انتخاب مذهب و جنبه‌های فرهنگی در ازدواج‌های بین فرهنگی اشاره کرده‌اند. اکثر تحقیقات صورت گرفته در این زمینه نیز بر اهمیت بعد فرزند پروری به‌عنوان یکی از عوامل و چالش‌های ازدواج‌های بین فرهنگی اشاره کرده‌اند و نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های مطالعات (Cools, 2006; Frame, 2004; Donovan, 2004; Skowronski & et al, 2014) هماهنگ است. با توجه به این که دوام و پایداری ازدواج بین فرهنگی به پذیرش و احترام به فرهنگ مقابل نیازمند است، مشارکت کنندگان سعی کرده‌اند که فرزندان خود را در انتخاب باورهای فرهنگی و مسائل مربوط به آن آزاد گذاشته و از جنبه‌های هر دو فرهنگ مانند دوزبانگی استفاده کنند. در مواردی هم زوجین سعی کرده‌اند که با پذیرش بخشی از فرهنگ میزبان، فرزند خود را مطابق با آن فرهنگ پرورش داده تا به هویت واحدی دست یابند. آن‌ها همان‌گونه که به تفاوت‌های مذهبی هم دیگر در زندگی زناشویی احترام گذاشته‌اند، برای انتخاب فرزند خود نیز احترام قائل بوده و با نشان دادن انعطاف، از نقاط مثبت هر دو فرهنگ بهره‌مند شده و سعی کرده‌اند در سبک تربیتی خود هماهنگی و همکاری داشته باشند.

ادراک ابعاد ارتباطی و زناشویی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین درون‌مایه‌های ادراک شده توسط زوجین در کانون ادراک مشارکت کنندگان این پژوهش از رضایت زناشویی در ازدواج‌های بین فرهنگی قرار داشته است. تجربه مشارکت کنندگانی که نقش حمایت شوهر، استراتژی‌های تسهیل‌کننده و شناخت تفاوت‌های شخصیتی را داشته‌اند از ازدواج بین فرهنگی خود مثبت بوده و رضایت زناشویی مناسبی را تجربه کرده‌اند اما در مقابل زوجینی که در این درون‌مایه‌ها تجربه منفی داشته‌اند از ازدواج بین فرهنگی خود احساس نارضایتی کرده‌اند. در زمینه این

درون‌مایه، پژوهش‌های پیشین نیز یافته‌های مشابهی به دست آورده‌اند، از جمله می‌توان به پژوهش‌های Wong & Goodwin (2009)، Chaney (2010)، Madanian، Bin Omar & Mansor (2013)، Skowronski & et al. (2014) و Tili & Barker (2015) اشاره کرد. در واقع، حمایت و همدلی زوجین و درک متقابل آنان، سبب حفظ عملکرد خوب و متعادل زوجین در مقابل موقعیت‌های نامطلوب شده و می‌توانند سختی‌ها و تفاوت‌های فرهنگی موجود در زندگی‌شان را تحمل کنند. زوجین از طریق برقراری ارتباط مؤثر، گفتگو و بیان خواسته‌ها و نظرات خود و نیز احترام به طرف مقابل به صورت مسالمت‌آمیز در کنار هم زندگی می‌کنند. به‌کارگیری راهبردهای صحیح تصمیم‌گیری و حل مسئله در مواقع مواجهه با مشکلات و یا زمانی که نیازمند به اخذ تصمیم‌گیری‌های بسیار مهمی هستند، باعث می‌شود که بتوانند اطلاعات و راهکارهای مناسب‌تری را ایجاد کنند، این امر سبب می‌شود رضایت از زندگی زناشویی افزایش یابد. در ازدواج بین فرهنگی، همسران با آگاهی از فرهنگ طرف مقابل می‌توانند درک بهتری از یکدیگر داشته باشند و این امر می‌تواند از بروز برخی تعارض‌ها جلوگیری کند. ادراک تفاوت‌های شخصیتی در ازدواج‌های بین فرهنگی و نیز برون‌ریزی هیجانی خود، ابرازگری احساسی و یا تفاوت در سبک‌های حل تعارض هیجانی و منطقی، تحت تأثیر تفاوت‌های شخصیتی و جنسیتی است تا تفاوت‌های فرهنگی. اگرچه تفاوت‌های شخصیتی می‌تواند به‌طور کلی بر روابط زوجین و به‌طور خاص بر کیفیت زندگی زوجین بین فرهنگی تأثیر داشته باشد، اما تأثیرگذاری این تفاوت‌ها به انعطاف‌پذیری و پذیرش زوجین بستگی دارد، به‌طوری‌که همسرانی که بتوانند تفاوت‌های شخصیتی همدیگر را بپذیرند و آن را ادراک کنند، در ازدواج بین فرهنگی خود می‌توانند تعارض‌های زناشویی‌شان را کاهش دهند.

درون‌مایه دیگر در این پژوهش، ادراک نیازهای کلی ازدواج بین فرهنگی بود، یعنی جنبه‌هایی کلی که برای دو نفر که از فرهنگ‌های مختلف باهم ازدواج کنند، لازم و ضروری است. این مضمون شامل سه درون‌مایه فرعی پذیرش و احترام به تفاوت‌های بین فرهنگی، نیاز به انعطاف‌پذیری بالا و تجربه انتقال بین فرهنگی در ازدواج است. یافته حاضر در زمینه فرهنگ پذیرش، احترام به تفاوت فرهنگی و انعطاف‌پذیری نقش جنسی، همسو و هماهنگ با نتایج پژوهش‌های Frame (2004)؛ Bustamante & et al (2011) است. Moore & Mcfadden (2001) ارتباط سازگارانه، صادقانه و باز، درک و قدردانی از پس‌زمینه فرهنگی خود و دیگری و پذیرش اتخاذ یک چشم‌انداز گسترده و کلی را به‌عنوان راهبردهایی برای حفظ روابط مثبت در میان زوجین بین فرهنگی پیشنهاد می‌کند. فرهنگ پذیرش موفق با فرهنگ میزبان، به فرد اجازه می‌دهد درک دقیق‌تری از ارزش‌های فرهنگ اکثریت کسب کند که به‌نوبه خود به ارتباطات زوجین و کیفیت رابطه آن‌ها کمک می‌کند. ویژگی انعطاف‌پذیری، هم امکان انطباق مؤثر زوجین بین فرهنگی را با شرایط و استرس‌های زندگی فراهم می‌کند و هم باعث کاهش تنیدگی، ناراضی‌تی و بهبود صلاحیت و سلامت زوجین می‌شود. همین امر رضایت زناشویی آن‌ها را تقویت می‌کند. در پژوهش حاضر زوجین با در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی و پذیرش آن، نیاز به احترام متقابل را جهت کسب سازگاری و آرامش در زندگی مشترک درک کرده‌اند. انعطاف‌پذیری بالا و توانایی پذیرش تفاوت‌ها با توجه به ماهیت

متفاوت جنبه‌های فرهنگی یا مذهبی مشارکت کنندگان، نیز جزء ضرورت‌های ازدواج‌های بین فرهنگی در مطالعه حاضر بود که مورد بحث قرار گرفت. در نهایت باید افزود که مشارکت کنندگان این مطالعه، فرایند انتقال فرهنگی را از طریق یادگیری زبان و جنبه‌های فرهنگی طرف مقابل، به‌عنوان یک نیاز و ضرورت جهت تسهیل روابطشان به کاربردند.

درون‌مایه نهایی کشف شده در این پژوهش، ادراک و مشکلاتی کلی بود که افراد ممکن است در ازدواج‌های بین فرهنگی با آن‌ها روبرو شوند. این درون‌مایه اصلی دارای چهار درون‌مایه فرعی شامل: تفاوت در رسوم، مهمانی‌ها و تشریفات، تجربه اختلاف و تعارض به دلیل تفاوت‌های بین فرهنگی، سختی‌های خاص تجربه ازدواج بین فرهنگی و نیز فاصله جغرافیایی و احساس غربت است که تا حدودی با ادبیات گذشته (Frame, 2004; Donovan, 2004; Jabar, 2006; Barker & Tili, 2015; Ferguson-Cain, 2015) هماهنگ است. این مضمون مرتبط با درون‌مایه قبلی نیازهای کلی ازدواج بین فرهنگی است و در صورتی که نیازهای کلی این ازدواج‌ها همانند نیاز به پذیرش و احترام به تفاوت‌های بین فرهنگی و نیاز به انعطاف‌پذیری و انتقال فرهنگی برآورده شود، مشارکت کنندگان این چالش‌ها را با موفقیت پشت سر می‌گذرانند و به‌جای سازش و تسلیم شدن در زمینه حل تفاوت‌ها به اجماع می‌رسند. این مسائل به‌سادگی می‌توانند سوءتعبیر شده و منجر به سوءتفاهم‌ها و تعارض شدید گردد. تفاوت‌های بین همسران، اگر به‌صورت منفی در نظر گرفته شده و مورد رسیدگی قرار نگیرند، تأثیر منفی بر روابط زوجین دارد (O'Brien & Diemer, Mackey, 2000).

محدودیت‌ها و پیشنهادها. پژوهش حاضر در زمینه تجربه رضایت زناشویی در ازدواج‌های بین فرهنگی با استفاده از رویکرد کیفی بود و با توجه به فقدان پژوهش داخلی در این زمینه، نتایج غنی و نوآورانه و کاربردی به دست داد. بر این اساس، جهت‌گیری پژوهش‌های آینده می‌تواند به سمت بعضی از اجزاء تشکیل‌دهنده این پژوهش که در تحقیقات گذشته کمتر بدان اشاره شده است، باشد؛ مانند بررسی انگیزه‌های شکل‌گیری ازدواج بین فرهنگی، مسئله حضور و پذیرش یا دخالت و اجبار خانواده‌ها در ازدواج‌های بین فرهنگی و نیازهای کلی و چالش‌های مربوط به ازدواج‌های بین فرهنگی.

مشارکت کنندگان پژوهش حاضر از بین زوجین شهرهای سنج و اهواز انتخاب شدند که همگی دارای تحصیلات دانشگاهی بودند و ممکن است از لحاظ تعمیم‌پذیری به سایر فرهنگ‌ها و نیز افراد غیردانشگاهی دارای محدودیت باشد. پیشنهاد می‌شود این پژوهش در بافت‌ها و فرهنگ‌ها و نمونه‌های دیگر نیز تکرار شود. این مطالعه دارای مضامین مهمی برای روان‌شناسان، مشاوران و متخصصان حیطه ازدواج است. می‌توان از نتایج پژوهش حاضر در زمینه نحوه مشاوره، آموزش و درمان زوجین بین فرهنگی استفاده کاربردی نموده و نیز در کار با این مراجعین، ضمن در نظر گرفتن پیش‌زمینه فرهنگی آنان و تعیین استانداردهای مشاوره حرفه‌ای، شایستگی‌های خود را توسعه داد. همچنین، به‌جای دیدگاه تک‌بعدی به ازدواج‌های بین فرهنگی، نگرشی چندبعدی داشته و با توجه به

ساختار چندبعدی این ازدواج‌ها، ازدواج بین فرهنگی را در بافت درون سیستمی (عوامل مربوط به روابط بین فردی زوج) و برون سیستمی (عوامل محیطی و فرهنگی) در نظر گرفت.

در آخر، بر اساس زمینه‌های مورد ادراک در ازدواج‌های بین فرهنگی توسط زوجین، تدوین یک ساختار بومی منحصربه‌فرد آموزش قبل از ازدواج و غنی‌سازی ازدواج‌های بین فرهنگی ضروری است تا افراد بتوانند مشکلات و چالش‌های احتمالی را حل کنند. در این پژوهش حضور خانواده‌ها، تصمیم‌گیری در مورد فرزند و ادراک بعد ارتباطی، زناشویی و فرهنگی در تشکیل این ساختار کمک‌کننده است.

تصریح درباره تعارض منافع. نویسندگان، متعهد می‌شوند که پژوهش حاضر هیچ‌گونه تضاد منافی نداشته و هیچ ارتباطی با شخص یا مراکزی که بر اهداف پژوهش تأثیرگذار باشند، وجود ندارد. همچنین نتایج پژوهشی هیچ‌گونه منفعت مالی برای نویسندگان نداشته است و برآیندهای پژوهشی هیچ ارتباط و تأثیری بر جایگاه و شرایط نویسندگان نداشته است.

سپاسگزاری. این پژوهش از رساله نویسنده دوم اخذ شده است و نویسندگان از کلیه زوجینی که در انجام این پژوهش مشارکت نمودند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

منابع

- بهارلو، غفار. (۱۳۸۸). *رابطه‌ی بین عملکرد ازدواج با سازگاری زناشویی و مقایسه آن‌ها در بین اقوام فارس، بختیاری و مگرد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اصفهان.
- خانیک، هادی و تبریزی، منصوره. (۱۳۸۸). رضایت از زندگی زناشویی در رهگذر نگرش و کنش اخلاقی. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۱۶(۴۶)، ۲۲۸-۱۸۷.
- عباسی شوازی، محمد جلال و صادقی، رسول. (۱۳۸۴). قومیت و الگوهای ازدواج در ایران. زن در توسعه و سیاست، ۳(۱)، ۴۸-۲۵.
- کرسول، جان. (۲۰۰۹). *طرح پژوهش (رویکردهای کیفی، کمی و ترکیبی)*. ترجمه علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس (۱۳۹۱). تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۳). *بسترها، پیامدها و سازگاری زنان مطلقه*. شهر تهران (یک مطالعه پدیدارشناسانه). *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۴(۱)، ۱۷۲-۱۳۵.
- هومن، حیدر علی. (۱۳۹۱). *راهنمای عملی پژوهش کیفی*. تهران: انتشارات سمت.

References

- Bagwell, E. K. (2006). *Factors influencing marital satisfaction with a specific focus on depression*. Senior Honors Theses, 38.

- Bratter, J. L. & King, R. B. (2008). "But Will It Last? Marital Instability Among Interracial and Same-Race Couples. *Family Relations*, 57(2), 160-171.
- Bustamante, R. M. Nelson, J. A. Henriksen, R. C. & Monakes, S. (2011). Intercultural couples: Coping with culture-related stressors. *The Family Journal*, 19(2), 154-164.
- Chaney, C. & Marsh, K. (2009). The factors that facilitate relationship entry among low-income married and cohabiting African Americans. *Marriage & Family Review*, 45, 26-51.
- Cools, C. A. (2006). Relational communication in intercultural couples. *Language and intercultural communication*, 6(3-4), 262-274.
- Donovan, S. P. (2004). *Stress and coping techniques in successful intercultural marriages*. Thesis submitted to the Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science.
- Dunleavy, V. O. (2004). Examining interracial marriage attitudes as value expressive attitudes. *Howard Journal of Communications*, 15(1), 21-38.
- Ferguson-Cain, D. (2015). *A qualitative study of marriage and marital satisfaction of African American couples: Past and present*. TEXAS A&M UNIVERSITY-COMMERCE.
- Foeman, A. & Nance, T. (1999). From miscegenation to multiculturalism: Perceptions and stages of interracial relationship development. *Journal of Black Studies*, 29, 540-557.
- Frame, M. W. (2004). The challenges of intercultural marriage: Strategies for pastoral care. *Pastoral Psychology*, 52(3), 219-232.
- Gaines, S. O. Jr. Clark, E. M. & Afful, S. E. (2015). Interethnic marriage in the United States: An introduction. *Journal of Social Issues*, 71(4), 647-658.
- Garcia, D. (2006). Mixed marriages and transnational families in the intercultural context: A case study of African-Spanish couples in Catalonia. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 32(3), 403-433.
- Heller, P. E. & Wood, B. (2007). The influence of religious and ethnic differences on marital intimacy: Intermarriage versus intramarriage. *Journal of Marital and Family Therapy*, 26, 241-252.
- Hohmann-Marriott, B. E. & Amato, P. (2008). Relationship quality in interethnic marriages and cohabitations. *Social Forces*, 87(2), 825-855.
- Jabar, M. A. (2006). Battlegrounds of marriage: Conflict experiences of Filipino wives in intercultural marriages. *Graduate Journal of Social Science*, 3(2), 43-57.
- Kang, E. Rapkin, B. D. & DeAlmeida, C. (2006). Are psychological consequences of stigma enduring or transitory? A longitudinal study of HIV stigma and

- distress among Asians and Pacific Islanders living with HIV illness. *AIDS Patient Care & STDs*, 20(10), 712-723.
- Kim, Y. Y. (2008). Intercultural personhood: Globalization and a way of being. *International Journal of Intercultural Relations*, 32(4), 359-368.
- Lee, P. W. (2006). Bridging cultures: Understanding the construction of relational identity in intercultural friendship. *Journal of Intercultural Communication Research*, 35(1), 3-22.
- Lee, S. M. & Boyd, M. (2008). Marrying out: Comparing the marital and social integration of Asians in the US and Canada. *Social Science Research*, 37(1), 311-329.
- Li, T. & Fung, H. H. (2011). The dynamic goal theory of marital satisfaction. *Review of General Psychology*, 15(3), 246.
- Mackey, R. A. Diemer, M. A. & O'brien, B. A. (2000). Conflict-management styles of spouses in lasting marriages. *Psychotherapy: Theory, Research, Practice, Training*, 37(2), 134-148.
- Madanian, L. Mansor, S. M. S. S. & bin Omar, A. H. (2013). Marital satisfaction of Iranian female students in Malaysia: A qualitative study. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 84, 987-993.
- Mcfadden, J. & Moore, J. L. (2001). Intercultural marriage and intimacy: Beyond the continental divide. *International Journal for the Advancement of Counselling*, 23(4), 261-268.
- Negy, C. & Snyder, D. K. (2000). Relationship satisfaction of Mexican American and non-hispanic white American interethnic couples: Issues of acculturation and clinical intervention. *Journal of Marital and Family Therapy*, 26(3), 293-304.
- Okitikpi, T. (2009). *Understanding interracial relationships*. London: Russell House
- Pierce, N. & Burke, M. (2014). Understanding attitudes towards interracial relationships among college students. John Wesley Powell Student Research Conference.
- Renalds, T. G. (2011). Communication in intercultural marriages: Managing cultural differences and conflict for marital satisfaction.
- Abu Shosha, Gh. (2012). Employment of Colaizzi's strategy in descriptive phenomenology: A reflection of a researcher. *European Scientific Journal*, 8(27), 31-43.
- Sias, P. M. Drzewiecka, J. A. Meares, M. Bent, R. Konomi, Y. Ortega, M. & White, C. (2008). Intercultural friendship development. *Communication Reports*, 21(1), 1-13.
- Skowroński, D. P. Othman, A. B. Siang, D. T. W. Han, G. L. W. Yang, J. W. J. & Waszyńska, K. (2014). The Outline of Selected Marital Satisfaction Factors in

- the Intercultural Couples based on the Westerner and non-Westerner relationships. *Polish Psychological Bulletin*, 45(3), 346-356.
- Tallman, I. & Hsiao, Y. L. (2004). Resources, cooperation, and problem solving in early marriage. *Social Psychology Quarterly*, 67(2), 172-188.
- Tili, T. R. & Barker, G. G. (2015). Communication in intercultural marriages: Managing cultural differences and conflicts. *Southern Communication Journal*, 80(3), 189-210.
- Waldman, K. & Rubalcava, L. (2005). Psychotherapy with intercultural couples: A contemporary psychodynamic approach. *American Journal of Psychotherapy*, 59(3), 227-245.
- Wong, S. & Goodwin, R. (2009). Experiencing marital satisfaction across three cultures: A qualitative study. *Journal of Social and Personal Relationships*, 26(8), 1011-1028.

References (In Persian)

- Abbasi Shavazi, M. J. & Sadeghi, R. (2005). Ethnicity and patterns of marriage in Iran. *Women in Development and Politics*, 3(1): 25-48.
- Baharloo, Gh. (2009). *Relationship between marital performance and marital adjustment among Fars, Bakhtiari and Kurds*. Master's thesis for family counseling, University of Isfahan.
- Creswell, J. (2009). *Research design: Qualitative, quantitative, and mixed methods approaches*. Translated by Alireza Kiaamanesh and Maryam Danaie Toos (2012). Tehran: Jahad Daneshi Press
- Hooman, Heidarali. (2012). *A Practical Guide to Qualitative Research*. Tehran: Samt Publication.
- Khayek, H. & Tabrizi, M. (2009). Marital Satisfaction through Moral Attitude and Action (Emphasis on Woman Society). *Social Sciences*, 16(46): 187-228.
- Mohammadpur, A. (2014). A Phenomenological Study of Contexts, Consequences and Adaptations to Divorce among Divorced Women of Tehran City. *Journal of Family Counseling and Psychotherapy*, 4(1), 135-180.